

فلسفہ یونان باستان ۱

سقراط

پیش از

فلاسفہ

فلسفہ و

حسین شمسی

فلسفه یونان هم به عنوان نخستین دوره تفکر نظری اروپا و هم از حیث ارزش درونی و ذاتی برای هر کسی که علاقمند به مطالعه فلسفه باشند سودمند است و هیچ کس نمی‌تواند انکار کند که یونانیان میراث فناپذیری از ادبیات و هنر و تفکر فلسفی برای دنیای اروپا به جا گذاشته‌اند. در فلسفه یونان ما شاهد روشن شدن مسائلی هستیم که مطرح بودن خود را هنوز هم برای اروپاییان از دست نداده است و پاسخهای پیشنهادشده‌ای را می‌یابیم که خالی از ارزش نیستند و اگرچه ممکن است ساده‌لوحی و اطمینان زیاد و شتابزدگی و بی‌پروایی خاصی را در افکار برخی از آنها ببینیم؛ با وجود این فلسفه یونانی بعنوان یکی از افتخارات و دستاوردهای اروپایی باقی می‌ماند؛ بنابراین یونانیان را باید نخستین متفکران و دانشمندان بلامنزاع و بی‌رقیب اروپا دانست. با توجه به مطالبی که بیان شد فلسفه یونان بواسطه تأثیری که بر تفکرات بعدی دارد و نیز به سبب ارزش ذاتی خود همیشه مورد توجه و علاقه هر پژوهنده فلسفه بوده است؛ چرا که اندیشه‌های فیلسوفان یونان یکی از سرچشمه‌های اندیشه فلسفی در هر دوره تاریخی و در هر ناحیه جغرافیایی است و درک درست مکاتب فلسفی بعد از آن مستلزم آشنایی عمیق با این اندیشه‌هاست.

این نوشتار به بررسی آراء و اندیشه فلاسفه پیش از سقراط می‌پردازد که در این شماره فلسفه در یونان باستان و حوزه فلسفی «ایونیا» و فیلسوفان مشهور آن حوزه و همچنین حوزه فلسفی «فیثاغوریان» بررسی خواهد شد.

فلسفه در یونان باستان

فلسفه و فلاسفه پیش از سقراط

قبل از اینکه به بررسی فلسفه در یونان باستان بپردازیم لازم است برای روشن شدن علل و عوامل بوجود آورنده فکر فلسفی در یونان باستان، به بررسی جغرافیای یونان قدیم بپردازیم که بدون پرداختن به این مسأله علل پیدایش تفکر

فلسفی در ابهام خواهد ماند.

یونان باستان منطقه‌ای با مساحتی تقریبی ۶۴۵۰۰ کیلومتر مربع، دارای ساختار جغرافیایی متنوع و نواحی مهم بوده است. جنبش یونانیان در امور علمی و عقلی و ذوقی تقریباً از دو هزار و پانصد سال پیش از این آغاز شده و در همه انواع بروزات ذهن و طبع انسانی آثار زیبا و گرانبایی به یادگار گذاشته

است.

نوباوه‌های فرهنگی و علمی که به این جاها منتقل می‌شدند زمینه مساعدی برای شکوفایی بیابند و کیفیت این شهرهای نوینیا و نحوه تأسیس آنها (ساحلی بودن آنها) امکان این امر را بیشتر می‌کرد. لذا تماس با فرهنگهای ملل مختلف افتق دید و اندیشه آنان را وسعت می‌بخشید. قوم پرستعداد یونان در پی این ارتباط خلاصه و ماحصل آن معلومات شهرها را می‌گرفتند و در قالب ذوق سرشار خود ریخته و تحقیقات عمیق را نیز بر آن می‌افزودند و به همه رشته‌های ذقیات و معقولات، صورتی بسیار بدیع می‌دادند. بنابراین این شهرهای نوینیا ساحلی میدان آزمایش بزرگی بود که در آنها استعدادهای نهفته ظهور یابد، تا آنجایی که یک ناحیه از نواحی یونان باستان نسبت به بقیه نواحی دارای تمدن بزرگتر می‌شد و در بسیاری از زمینه‌ها از نواحی دیگر پیشی می‌گرفت. بطوری که می‌توان گفت همه نوآوریها از آنجا آغاز می‌گردید، یکی از این نواحی، ناحیه «ایونیا» بود.

ایونیا مهد و زادگاه فلسفه یونان

شمع دانش و حکمت و فلسفه یونان برای نخستین بار در ایونیا برافروخته شد. ایونیا بخشی از سرزمین یونان باستان واقع در غرب آسیای صغیر (ترکیه کنونی) بود. - شایان ذکر است که ایونیا محل تلاقی

چنانکه اشاره شد یونان باستان دارای تنوع جغرافیایی بوده، لذا این تنوع باعث شد که یونان باستان شامل سه ناحیه مهم باشد:

۱- بخشی که به جنوب شبه جزیره بالکان ختم می‌شد.

۲- جزایر واقع در دریای اژه و جزایر ایونیا

۳- کرانه‌های باختری آسیای صغیر
اساس این تقسیم‌بندی قاره یونان باستان وجود رشته کوههایی است که این سرزمین را از هر سو و بویژه از شمال به جنوب می‌شکافتد. با توجه به این مطلب یونان باستان به عده زیادی از ایالتهای کوچک مستقل تقسیم شده بود و سطح تمدن در قسمتهای مختلف یونان با سایر نقاط دیگر آن فرق می‌کرد. نکته حایز اهمیت این است که یونانیان قدیم سعی می‌کردند شهرهای خود را در کنار دریا بسازند و در انتخاب ساحل دریاها اصل اساسی و مهم این بود که استعداد کافی برای توسعه بازرگانی و فرهنگی را دارا باشد. ساحلی بودن این شهرها و تماس با ملل مختلف باعث می‌شد که شهرهای نوینیا متعددی بوجود آید که در آنها اقوام یونانی و غیر یونانی به نسبتهای مختلف با هم پیوند بخورند لذا تعدد و گوناگونی شهرهای نوینیا این امکان را پدید می‌آورد که

غرب با شرق بوده است، بنابراین می‌توان این سؤال را مطرح کرد که آیا فلسفه غرب از تأثیرات مشرق زمین برخوردار بوده است یا نه؟ البته پرداختن به این مسأله نیاز به تبیین و تحقیق دارد که از حوصله این مقال خارج است.

یکی از شهرهای مهم منطقه ایونیا، شهر «میلتوس» (ملطیه) بود. میلتوس، مهمترین و بزرگترین مرکز زندگی اجتماعی و اقتصادی و علمی و فرهنگی منطقه ایونیا بوده است. اگر ایونیا را مهد فلسفه یونان بدانیم، میلتوس مهد فلسفه ایونیا بود.

علل و عواملی که میلتوس را آماده برای ظهور اندیشه و جهان‌بینی عقلانی کرد ساختار اجتماعی و سیاسی نواحی در آنجا بود که فضای بازتری برای تنفس آزادانه اندیشه و عقل پدید آورده بود و دیگر نیازی نبود که به همان افسانه‌ها و پندارهای پیشین دست‌آویزند و بدین‌سان اندیشه می‌توانست از نو با جهان هستی روبرو شود و کوششی برای یافتن و در یافتن چیستی و چگونگی و چرایی آن آغاز کند.

بزرگترین امتیاز و تشخیص متفکران ایونیا این بود که اندیشه را یکباره از همه اساطیر دینی و جهان‌بینی‌های پیشین آزاد کردند چنانکه با مراجعه به گفته‌ها و اندیشه‌های آنان درمی‌یابیم که آنان برای نخستین بار

خدایان را از جهان‌شناسی خود بیرون راندند و به طبیعت واقعی و پدیده‌های آن روی آوردند و به این علت در تاریخ فلسفه به «کاوشگران طبیعت» شناخته شدند؛ کسانی که هوشیارانه و با چشمان بی‌نا به سوی طبیعت می‌روند و در پی تبیین و یافتن «ماده المواد» و چیستی و چگونگی و چرایی طبیعت هستند.

۱-۱- مکتب و حوزه ملطیه (ایونی)

ایونیا، مرکز درخشان فکر یونانی بود و می‌توان گفت که زادگاه فلسفه یونانی ایونیا بود و در همین مکان بود که تمدن جدید یونانی رخ نمود و نخستین فیلسوفان یونانی از مردم میلتوس بودند. چنانکه «طالس» فیلسوف مشهور یونان از منطقه میلتوس بوده است.

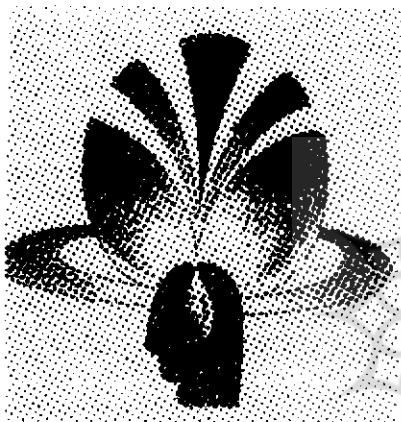
ویژگی بارز این مکتب

اولین ویژگی و مشخصه اصلی فلاسفه ملطی این بود که عمیقاً تحت تأثیر امر تغیر، تولد، کون و فساد و مرگ بودند.

دومین مشخصه اصلی آنها تأمل در اینکه «ماده المواد» طبیعت چیست.

سومین مشخصه آنها «ماتریالیسم انتزاعی» بودن آنهاست بدین معنی که در آن زمان تمایز بین «روح و ماده» هنوز درک نشده بود. این درست است که آنان در واقع از جهتی مادی مذهب بودند،

مطرح کردن آن کوشید اساس دیگری در تبیین پدیده‌های طبیعی بنیان‌گذار و کثرت‌پنداری را به وحدتی بنیادین تحویل دهد. این آغاز جانشینی تدریجی تبیین اسطوره‌های خارج از نظام طبیعی بود، از اینرو طالس را بنیانگذار «تفکر فلسفی و انتقادی» می‌دانند.



۲- آنکسیمندر (۵۴۷ - ۶۱۱ ق.م)
«دومین فیلسوف مشهور حوزه ملطی»
آراء و نظرات

۱- در نظری «ماده‌المواد» عالم هیچ‌یک از عناصر اربعه نبود؛ بلکه ماده‌ای است نامتناهی و جاویدان که همه جهانها را دربردارد. لذا در نظر او عنصر اولی (به یونانی آرخه) «نامعین» است. او معتقد بود که این عنصر نامعین، اولی و برتر از اضداد است که اضداد از آن بوجود می‌آیند و به آن منحل می‌گردند، زیرا بنا بر اعتقاد او،

ولی به سختی می‌توان آنان را مادی مذهب به معنای اصطلاحی این لفظ نامید؛ چون آنها تمایزی بین روح و ماده تصور نمی‌کردند و کاملاً از این تمایز آگاه نبودند.

پیشگامان و نخستین فلاسفه

ایونی

۱- طالس (۵۵۰ - ۶۲۴ ق.م) «اولین و

مشهورترین فیلسوف ملطی»

آراء و نظرات

الف - ماده‌المواد در نظر طالس

«آب» بود.

ب - مبدع نظریه و مسأله «یکی در

همه چیز».

ج - اولین کسی که مفهوم «وحدت در

کثرت» را ادراک نمود، یعنی در حالیکه

اندیشه وحدت را محکم نگه می‌داشت

می‌کوشید تا اختلاف بدیهی کثرت را

تبیین کند.

د - توسط طالس انتقال افسانه به

علم و فلسفه شروع شد و انقلابی در

تاریخ تفکر انسان بوجود آمد؛ زیرا برای

اولین بار بود که نور عقل به دنیایی تابیده

می‌شد که تا آن زمان زیر سلطه عقاید

خرافی بود.

جمع‌بندی کلی

جهان از چه چیزی درست شده

است؟ این پرسشی بود که طالس با

نشده، بلکه تکامل یافته است.

۳- آناکسیمنس (۵۲۴ - ۵۵۸ ق.م)

«سومین فیلسوف مشهور حوزه ملطی»

آراء و نظرات

۱- ماده المواد در نظر او «هوا» بود و شاید این نظریه با توجه به امر تنفس به فکر او رسیده باشد، زیرا آدمی مادام که نفس می کشد زنده است، پس هوا اصل و مبدأ حیات است و هوا، نامحدود و جاویدان و سیال است.

۲- اختلاف اشیاء، ناشی از صورتهای مختلف رقت و غلظت هواست.

۳- اعتقاد به «تکائف» (انبیاض) و «تخلخل» (انبساط)

او با طرح این دو مطلب در پی تبیین اینکه چگونه اشیاء از هوا بوجود آمده اند بود. در نظر او هوا به خودی خود نامرئی است اما در این فرایند تکائف و تخلخل مرئی می شود. وقتی رقیق و منبسط شود به صورت «آتش» درمی آید و چون منقبض و متکائف شود باد، خاک و بالاخره سنگ و بقیه اشیاء حاصل می شود.

۴- اختلاف اشیاء، اختلاف کمی است که فقط به درجه تراکم بستگی دارد. بنابراین نکته مهم در نظریه او کوشش وی در بنا نهادن همه انواع کیفیت بر کمیت است.



معتقد شدن به یک ماده المواد (آب، هوا، آتش و یا خاک) موجب جمع اضداد می شود یعنی به عبارتی اگر عنصر اولی آب باشد آنگاه باید بگوئید که آتش، خاک و هوا و چیزهای دیگر با آب جمع شده اند در حالیکه جمع اضداد امکان پذیر نیست.

۲- عنصر نامتعین در نظر او همان «علت مادی» است.

۳- این عنصر نامتعین جوهری بی حد است و ازلی و بی زمان

۴- اعتقاد به تطوّر و اینکه انسان در آغاز از نوع دیگری از حیوانات متولد شده است و این حیوان در نظر او «ماهی» است.

۵- از پیشگامان روش استدلال منطقی موسوم به «دیالکتیک» است.

۶- اعتقاد به مرکزیت زمین.

۷- اعتقاد به یک حرکت ازلی و دائم که در ضمن این حرکت کائنات بوجود آمده است.

۸- و اعتقاد به این که کائنات خلق

۵- اعتقاد به مسطح بودن زمین که فاقد حجم است و زمین در هوا مانند یک برگ شناور است.

۶- ارتباط هوا با روح آدمی: اولاً هوا نامرئی است روح هم نامرئی است، ثانیاً روح به انسان وحدت می دهد و هوا باعث نظم و قوام جهان است.

۷- مسأله حرکت: چون اصل همه اشیاء هواست و هوا همیشه در حرکت است و این حرکت، حرکتی وقفه ناپذیر است و زمان بردار نیست.



بشناسیم، آنان سرشار از شگفتی و لذت اکتشاف بودند.

طالس و آنکسیمندر و آناکسیمنس، اندیشمندان مکتب ملطی یونان باستان به شمار می روند. تعالیم فلسفی و عقلانی این مکتب بود که پرسش از بنیاد جهان را به میان آورد و سرانجام به هنگام کمال فلسفه یونان، ارسطو به نظریه «جوهر فرد و صورت» مستهل شد. کوشش عقلانی ملطیان را معمولاً جستجویی برای یافتن «ماده المواد» جهان دانسته اند اما آموزه های آنها بر چیزی بیشتر از آن دلالت می کرد، آنها به دنبال صورت واحدی بودند که همه پدیده های جهان را می شد به آن تحویل داد، در واقع مسأله اصلی آنان مسأله «وحدت و کثرت» و حتی مسأله عمیق تر «بود و نمود» می باشد.

۱-۲- دومین مکتب و حوزه فلسفی یونان باستان: فیثاغوریان

حوزه فیثاغوریان با ویژگیهای فلسفی، اخلاقی، عرفانی و دینی فیثاغوریان اعضای جمعیت یا انجمنی دینی بودند که فیثاغورس، اهل «ساموس» در کروتون در جنوب ایتالیا - که در آن زمان از مستعمرات یونان محسوب می شد- این مکتب را در نیمه دوم قرن ششم قبل از میلاد بنیاد نهاد. خیلی ها «فیثاغورس» را «پدر فلسفه الهی»

اهمیت مکتب ملطی

اهمیت مکتب ملطی در آنچه به دست آورد نیست بلکه در آن چیزهایی است که خواست بدست بیاورد به عبارت دیگر اهمیت عمده ایونیان بیشتر در طرح سؤال مربوط به طبیعت نهایی اشیاء است تا در پاسخ خاصی که به سؤال مطرح شده داده اند؛ همچنین آنان همگی قائل به ازلیت ماده بوده اند. ایونیان «جزمی» بودند؛ یعنی بر این عقیده بودند که ما می توانیم اشیاء را چنانچه هستند

می‌سند.

مقارن پایان تمدن ایونی یک بیداری و احیاء دینی رخ نمود که می‌کوشید عناصر دینی اصیلی را ارائه دهد که نه اساطیر المپی، با خود داشت و نه جهان‌بینی ملطی، جمعیت فیثاغوریان نماینده روح این بیداری و احیاء دینی هستند که با یگ روحیه نیرومند علمی ترکیب شده بود، و این جنبه علمی عاملی است که ورود فیثاغوریان را در تاریخ فلسفه توجیه می‌کند. چون محور افکار و اعمال دینی مرناتسی فیثاغوریان اندیشه تزکیه و تطهیر بود. عقیده به «تناسخ نفوس» طبیعتاً به ارتقاء و ترفیع فرهنگ نفسانی رهنمون می‌شد، تمرین سکوت، تأثیر موسیقی و مطالعه ریاضیات همگی به عنوان کمک‌های با ارزشمندی در توجه و مراقبت نفس تلقی می‌شد. با وجود این بعضی از اعمال آنان دارای خصیصه خارجی صرف بود. اگر فیثاغورس واقعاً خوردن گوشت را نهی کرده بود، این را به آسانی می‌توان ناشی از عقیده تناسخ و یا لاقبل مرتبط به آن دانست.

مشخصه اصلی مکتب فیثاغوریان

مشخصه اصلی آنها مسأله ریاضی - مابعدالطبیعی فیثاغوری است. آنها خود را وقف ریاضیات کردند و نخستین کسانی بودند که این رشته دانش را پیشرفت دادند و چون در آن پرورش یافته بودند پنداشتند که ریاضی اصل تمام اشیاء است لذا به اهمیت «عدد» پی

بردند. همه اشیاء را شمردنی دانستند. آنها معتقد بودند که ما می‌توانیم خیلی از چیزها را با عدد بیان کنیم، بدین سان رابطه میان دو شیء مرتبط را می‌توان بر حسب «نسبت عددی» بیان کرد.

در نظر آنها هماهنگی و نظم جهان به عدد وابسته است و اعتقاد آنها به یک موسیقی کیهانی از آنجا ناشی می‌شد که آنان مشاهده می‌کردند که خصوصیات و نسبت‌های «گام‌های موسیقی» با اعداد قابل بیان است؛ یعنی فواصل درگام موسیقی را می‌توان به وسیله «نسبت عددی» بیان نمود. از آن پس چنین به نظر آمد که همه اشیاء دیگر، در کل طبیعت خود همانند اعداد ساخته شده‌اند، و اعداد، نخستین اشیاء در کل طبیعت‌اند و تمامی افلاک یک «گام موسیقی» و یک «عدد» است. شکی نیست که فیثاغوریان بانی پیشرفت‌های مهمی در علم ریاضی بودند ولی راهبرد آنها به ریاضیات با راهبرد ریاضی‌دانان امروز بسیار متفاوت بود. از نظر آنها، اعداد معنای عرفانی و واقعیتی مستقل داشتند؛ اعداد سبب «هماهنگی» بین پدیده‌ها بودند و هماهنگی به نظر فیثاغوریان «اصل الهی» بود که کل جهان را هدایت می‌کرد، اعداد نه تنها جهان فیزیکی را تبیین می‌کردند، بلکه بر کیفیات اخلاقی و انتزاعات دیگر نیز دلالت داشتند.



فیثاغورس (۴۹۷ - ۵۷۲ ق.م)

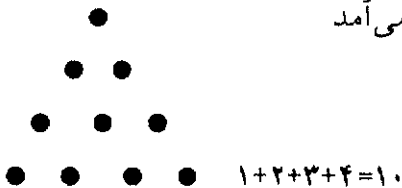
فیثاغورس ریاضی دان مشهور، آموزه‌های از علم و عرفان را وارد اندیشه‌های فلسفی کرد و اهمیت کاروی در سه مسأله مهم بود: الف - او در زمینه ریاضیات و هندسه تحقیقات مهم و وسیعی انجام داد و آن را پایه دیدگاه فلسفی خود قرار داد.

ب - او بانی جهان بینی ویژه‌ای شد که اعداد در آن نقش مهمی داشتند.
ج - جامعه و گروهی را تشکیل داد که بر اساس اصول و ضوابط خاصی زندگی می‌کردند.

است. بنابراین وقتی می‌گویند تمام اشیاء عددند به این معنی است که تمام اجسام عبارت از نقطه‌ها یا واحدها در مکان‌اند که چون با هم در نظر گرفته شوند یک عدد را می‌سازند (چون فیثاغورس اعداد را شاغل مکان ملاحظه می‌کرد).

آراء و نظرات:

اینکه فیثاغورس اعداد را بدین سان ملاحظه می‌کرد بوسیله «چهارتایی» (تراکتوس) نشان داده شده است، شکلی که آن را مقدس می‌شمردند. این شکل یک مثلث متساوی الاضلاعی است که هر ضلع آن از چهار نقطه یا واحد تشکیل شده است و مجموعه آن عدد «ده» را که فیثاغوریان کامل و مقدس می‌شمردند به دست می‌آمد.

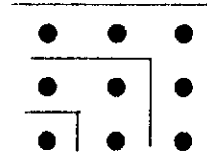


اعداد مربع و اعداد مستطیل
فیثاغوریان برای نشان دادن اعداد

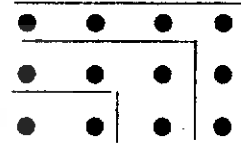
- ۱- مهمترین اعتقاد دینی فیثاغورس اعتقاد به مسأله «تناسخ» و اعتقاد به «بعد الهی روح انسان» است.
- ۲- اعتقاد به اینکه اصل اشیاء «عدد» است.
- ۳- او معتقد بود که به جای اینکه اعداد را با حروف نشان دهیم، مثلاً «یک» را با حرف «الف» و یا «دو» را با حرف «ب» و... به جای این، اعداد را با نقطه نشان دهیم.

برای توضیح مطلب او باید بگوییم که با توجه به نظر وی عدد یک «نقطه» است، عدد دو «خط» است، عدد سه «سطح»، و عدد چهار «حجم یا جسم»

فرد و زوج از این روش استفاده می‌کردند: اگر با عدد یک شروع کنیم اعداد فرد «اعداد مربع» و اگر با عدد دو شروع کنیم اعداد زوج «اعداد مستطیل» حاصل می‌شود.



اعداد مربع



اعداد مستطیل

جمع‌بندی کلی مکتب فیثاغوریان:

این مطلب درست است که فیثاغورس‌گرایسی، شاید جنجال‌برانگیزترین بخش در تمام فلسفه یونانی باشد و امور بسیاری درباره آن مبهم است و نه تنها مبهم بلکه به شدت پیچیده است. ولی با وجود این شکی نیست که فیثاغورس سنت جدید در فلسفه آغاز کرد و نگرش ایتالیایی‌ها در مقابل نگرش ایونی‌ها بود (البته ایتالیا در آن زمان جزء یونان باستان محسوب می‌شد). با آمدن فیثاغورس انگیزه برای فلسفه دیگر همان انگیزه ایونی‌ها، یعنی کنجکاوی نبود بلکه به انگیزه‌ای برای پژوهش از زندگی تبدیل شد که بتواند بین فیلسوف و جهان

ارتباطی راستین برقرار نماید. فیثاغورس به همان اندازه که فیلسوف بود، آموزگار دینی و سیاسی نیز بود و انجمن سازمان‌یافته‌ای از مردان تشکیل داد تا تعلیمات او را در عمل پیاده کنند. از نظر فیثاغورس و پیروانش فلسفه قبل از هر چیز بیشتر یک مبنایی برای طریق زندگی است. بخش مهم فلسفه از دید فیثاغورس اندیشیدن درباره انسان و ماهیت روح او و ارتباطش با اشکال دیگر زندگی بود.



با توجه به مطالب بیان شده چنین می‌توان نتیجه گرفت و جمع‌بندی نمود که فیثاغورس بنیان‌گذار نحله فلسفی - دینی بزرگ دوره پیش از سقراطی در یونان است. ریاضیات (عدد را منشأ جهان دانستن) و آرای عرفانی و رمزی، و آموزه‌های موسیقایی،

مؤلفه‌های اصلی عقاید این نحله را تشکیل می‌دهند. اصل هماهنگی در تعالیم او و پیروانش حضور ضروری نظریه صورت در هر تفکر فلسفی را نشان داد و جهان‌شناسی مبتنی بر معانی رمزی اعداد آنها را بنا نهادند.

فیثاغوریان مایل بودند با «مادی» قلمداد نکردن اعداد، از ماتریالیسم بالفعل جهان‌شناسان ملطی جدا شوند.

سخن آخر اینکه فیثاغورس یکی از بزرگترین متفکران یونان باستان است و تأثیر او و پیروانش در افلاطون چشمگیر و حائز اهمیت می‌باشد و گفتن این که فیثاغوریان یکی از عوامل مؤثر در ساخت فکر افلاطون بودند، ستایشی ناچیز از آنان است.

منابع و مآخذ

۱. تاریخ فلسفه کاپلستون جلد یکم
۲. تاریخ فلسفه غرب، پژوهشکده حوزه و دانشگاه، جلد یکم
۳. تاریخ فلسفه یونانی، دبلیو. کی. سی. گاتری، آغاز طالس، ترجمه مهدی قوام صفری، ج ۱
۴. همان ج ۲، انکسیمندر، آناکسیمنس
۵. همان ج ۳، فیثاغورس و فیثاغوریان
۶. سیر حکمت در اروپا، فروغی

۷. تاریخ فلسفه غرب برتراند راسل

۸. نخستین فیلسوفان یونان، دکتر شرف‌الدین خراسانی

۹. متفکران یونانی: تئودر گمیرتس، ترجمه محمدحسن لطفی ج ۱

۱۰. مبانی فلسفه آشنایی با فلسفه جهان از زمانهای قدیم تا امروز، دکتر آصفه آصفی

۱۱. تاریخ مختصر فلسفه در اروپا، ج ۱

۱۲. سیر اندیشه فلسفی در غرب، فاطمه زیباکلام

۱۳. مقدمه‌ای بر فلسفه از والدکولپه، ترجمه احمد آرام

۱۴. حکمت یونانی، شارل ورنر، ترجمه بزرگ نادرزاد

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پژوهشکده فلسفه علوم انسانی